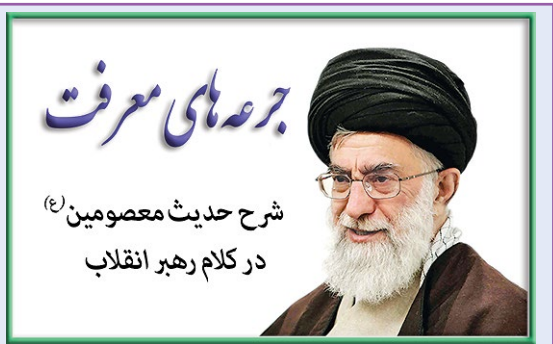




نماز شب؛ پاک‌کننده گناهان روز

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ: قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ (ع) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: إِنَّ الْخَسَنَاتِ يَذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ: قَالَ: صَلَاةُ اللَّيْلِ تَذْهَبُ بِذُنُوبِ النَّهَارِ؛ أَمَامَ صَاحِق(ع) بِرِ اسَاسِ فرموده خدا در قرآن که: همانا خوبی‌ها را بین برنده بدی‌ها است. فرمود: نماز شب

از بین برنده گناهانی است که در روز مرتکب شده‌اید».

– وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ: إِسْنَادُ آيِن حَدِيثُا هَمَانِ إِسْنَادُ رَوَايَتِ قِبَلِي اسْتِ که راوی نقل می‌کند از حضرت هادی (ع) و ابشسان از حضرت جواد(ع)، ایشان از حضرت علی‌بن موسی‌(ع)، ایشان از پدرشان موسی‌بن‌جعفر(ع)، ایشان از امام صادق(ع)؛ سَنَدُ از حضرت هادی تا حضرت صادق (علیهما‌السلام) این‌جوری است.

– قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ (ع) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: إِنَّ الْخَسَنَاتِ يَذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ؛ این دیگر ایه قرآن است و جای تردیدی نیست؛ پس اجمالاً معلوم می‌شود که حسناتی هست که سیئات را از بین می‌برد؛ نه اینکه همه حسنات این خصوصیت را دارند که همه سیئات را از بین ببرد!ظاهر کلام این است که طبیعت حسنات -اچون آین «الف» و «لام» و «الف» و «لام» «استغراق نیست- طبیعت سیئات را از بین می‌برد؛ که این، تطبیق می‌کند با اینکه بعضی از حسنات از سیئات را از بین می‌برند. حالا کدام حسنات؟ اینجا حضرت تبصیر(روشن) کردند:

– قَالَ: صَلَاةُ اللَّيْلِ تَذْهَبُ بِذُنُوبِ النَّهَارِ؛ وقتی شما نماز شب می‌خوانید، گناهانی را که در روز انجام داده‌اید، آنها را از بین می‌برد؛ چه چیزی از این بهتر؟ اینکه اهل معنا و اهل معرفت و اهل سلوک، نماز شب را کنجینه و ذخیره تمام‌شدنی‌ای می‌نهند، به خاطر این است. این حالا جنبه اخروی نماز شب است که گناهان را از بین می‌برد البته، گناهان آثار دنیوی هم دارند، آثار اخروی هم دارند؛ وقتی گناهان را از بین می‌برد، یعنی آثار سوء دنیوی گناهان را هم از بین می‌برد. ولی خب، ناظر به جنبه گناه است؛ یعنی جنبه امر اخروی، امر مربوط به آخرت. لکن در مورد مسائل دنیا هم همین جور است؛ در روایاتی دارد که موجب گشایش رزق می‌شود – که این امر دنیوی است- و فواید فراوان دیگری.

نقل شد از مرحوم آقای طباطبائی(رض) -صاحب المیزان که ایشان جزو شاگردهای نزدیک و مخصوص مرحوم آقای حاج میرزا علی‌آقای قاضی معروف، [آن] آعار بزرگوار بودند و سال‌ها پیش ایشان تلقذ کردند؛ از ایشان نقل شد، بنده خودم نشنیدم از ایشان، یک فرد نقفای(مورد اطمینان) نقل کرد از مرحوم آقای طباطبائی – که آن اوایل وقتی وارد نجف شدیم، آقای قاضی را که نمی‌شناختمند، درواور یک قوم و خویش‌ای داشتند، می‌دانستند که شخصی هست با این نام، از نزدیک با ایشان آشنا نبوده؛ می‌گفتند یک روز یک راهی که میرفتم، آنرا فرست را دید، صدا کرد و گفت: «بسم!» اگر دنیا می‌خواهی، نماز شب بخوان؛ اگر آخرت می‌خواهی، نماز شب بخوان». این حرف مرحوم آقای قاضی است به آقای طباطبائی که الحمدلله خدای متعال خیر دنیا و آخرت را به این بزرگوار عنایت می‌کند. نماز شب را فراموش نکنید، از دست ندهید.

ماها در روز، تذکر مغفولیم؛ یعنی در واقع به یک معنا مشغول به کارهای دنیا، حالا بستگی به نیت‌های ما دارد.اشتغالات ما، نوع اشتغالات دنیایی است، ولو حالا کسی نیتش خالی باشد، قصد خدا هم بکند -خدا اگر یک چنین قصدی به ماها بدهد- لکن مخاطبات ما، مخاطبات دنیایی است؛ با مردم مواجهیم، با دنیا مواجهیم، با حوادث مواجهیم؛ فرصتی برای خالی گذاشتن وقت و خلوت کردن با خدا در روز واقعاً دست نمی‌دهد، امکان ندارد؛ مگر حالا آن کسانی که اهل نماز دائمند خوشا آنان که دائم در نمازند-^(۱) که در همه حالات با خدا هستند، لکن به طور معمول ماها، امثال بنده در روز مشغولیم ، ما وقتی نداریم که با خدا خلوت کنیم؛ سحر، وقت خلوت با خدا است. این وقت را، این فرصت را غنیمت باید بشمریم؛ بخصوص شماها که جوان هستید، به‌خصوص جوان‌ها، البته همه، لکن جوان‌ها بیشتر شایستگی دارند، چون بزرگ‌ترشان بیشتر است، بهتر است؛ همچنان‌که اگر ورزش کنیم، شما که جوان هستید از ورزش سود بیشتری می‌برید تا ما که در سنین بالا هستیم؛ اگر یک پیر همان ورزشی را بکند -«بوتواند بکند- که یک جوان می‌کند، سودی که آن جوان این‌م‌برد خیلی بیشتر از سودی است که آن پیر می‌برد؛ اگر غذای مقفوی‌ای شما بخورید با یک پیرمرد مثل بنده توفیق پیدا کند بخورد، آن سودی که شما از این غذای مقفوی می‌برید، به مراتب بیشتر است از آن [سودی] که یک پیرمرد اُمی برد]. معنویت‌ها هم همین جور است، تذخیه معنوی هم همین جور است: تلاوت قرآن، ذکر الهی، توجه به خدا، استغاثه، استغفار، نماز و نماز شب.

✽ شرح حدیث در ابتدای درس خارج؛ ۱۳۹۷/۱۱/۲۰

(۱) امالی طوسی، مجلس یازدهم، ص ۲۹۴؛

(۲)بایباطاهر، «خوشا آنان که دائم در نمازند / بهشت جلودان بازارشان بی» پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

با خورشید انقلاب (خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

یکی از شب‌ها، خدمت حضرت آقا رسیدم- آن موقع منزلشان

در خیابان ایران بود- فرمودند که منن الان از قم آمده‌ام و در آنجا

تفسیر سوره منافقون دارم؛ ایشان می‌فرمودند که کار زیادی دارم و

سرم بسیار شلوغ است؛ برای شش غذایی که برای ایشان آوردند مقداری

نان و عدسی بود و چیز دیگری در سرفه نبود. آن موقع نماینده بودند.

حجت‌الاسلام والمسلمین درباباری در گفت‌وگو با مشرق، تاریخ

انتشار: ۲۴ شهریور ۱۳۹۳

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

استفاده از وسیله نقلیه اداره برای امور شخصی

س) استفاده کارکنان دولت از وسیله نقلیه دولتی در ساعات اداری جهت رفتن به مسجد و شرکت در نماز جماعت چه حکمی دارد؟

ج) استفاده شخصی از اموال بیت‌المال جایز نیست و موجب ضمان است، مگر آنکه با اذن مسئولی باشد

مگر آنکه با اذن مسئولی باشد که شرعاً و قانوناً چنین حقی دارد.

خارج شدن کارمند از اداره برای امور شخصی

س) کارمند دولت جمهوری اسلامی گاهی از محل خدمت، بدون اجازه آن سازمان در تشییع جنازه یا مجلس ختم و ... شرکت می‌کند، حقوقش چه صورت دارد؟

ج) به طور کلی این گونه امور تابع قوانین و مقررات مربوط می‌باشد و تخلف از آن جایز نیست و موجب ضمان است، مگر آنکه با اذن مسئولی باشد که شرعاً و قانوناً چنین حقی دارد.

انجام امور غیر اداری در اداره

س) چه مقدار از ساعات کاری یک روز کارمند دولت یا بخش خصوصی می‌تواند به امور صبحانه، نهار، زیارت عاشورا، نماز و سغرنانی، حلقه صالحین، مسابقات قرآن و... اختصاص یابد؟

ج) این گونه امور، تابع قوانین و مقررات مربوط می‌باشد.

مصرف بیت‌المال در همایش‌ها

س) مصرف بیت‌المال در همایش‌های بی جهت و صرف تبلیغ و اعلان آمار فعالیت برای سازمان چگونه است؟

ج) این گونه امور، تابع قوانین و مقررات مربوط می‌باشد.

آیا شعار «مرگ بر آمریکا» با ممنوعیت ناسزاگویی به دشمنان در قرآن تعارض دارد؟

۲۸ مرداد سال ۳۲، حمله نافرجام طیس، حمایت از رژیم مغفور پهلوی، حمایت از رژیم بعث در طول جنگ تحمیلی، پشتیبانی از منافقین، توقیف اموال ایران، اعمال تحریم‌های اقتصادی، تبلیغات رسانه‌ای بر علیه نظام، سرنگونی هواپیمای مسافربری، سنگاندازی در راه احقاق حقوق هسته‌ای، حمایت آشکار از گروه‌ها و جریانات برانداز و مخالف نظام در دخالت با امور داخلی کشور و... تنها حقوق بشر و دموکراسی به نابودی کشانده است و ملت‌ها با رفتارهای خود، مراتب خشم و نفرت خویش را این‌گونه به نمایش می‌گذارند در عین حال این پیام را برای مردم آمریکا می‌فرستند که بدانند که چگونه دولتمردان این کشور حقوق انسانی سایر کشورها را نادیده گرفته و اعتبار بین‌المللی آنان را در میان ملت‌ها خدشه‌دار کرده‌اند تا آنان نیز در برابر زیاده‌خواهی‌ها و جنگ‌افروزی‌های دولتمردان این کشور ایستادگی کنند و نظام حاکم را

دیگری داشته باشد که عبارت است از دعا، البته دعای منفی؛ و ابراز برائت و تنفر، به‌عنوان مثال شعارهایی که ملت ایران بر علیه آمریکا و مشابه آن سر می‌دهند؛از جمله مرگ بر آمریکا، فحش و بددهنی نیستند بلکه دعای منفی بر علیه این کشورهاست و بر اساس آن، دعا می‌کنند که این سیاست‌های سلطه‌گرانه، نابود شوند و چنین دعاهایی اولاً واکنش طبیعی و فطری هر انسان مظلومی در برابر ظالمان است و حداقل اقدامی است که می‌توانند در برابر ظالمان انجام دهند و ثانیاً مورد تأیید منابع دینی نیز می‌باشد چنان‌که در قرآن کریم نیز در کنار نهی از بدگویی نسبت به خدایان مشرکان، بارها از این دعاها بر علیه دشمنان حق استفاده کرده است که البته با بیانات مختلف از جمله لعن، نفرین و... مطرح شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ مَاتُوا وَ هُمْ كَفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ^(۱)»، «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ^(۲)»، «فَاتَّخِذْهُمْ اللَّهُ أَنَّى يُؤفَكُونَ^(۳)»، «تَبَّتْ يُدَى ابْنِ لَهَبٍ وَ تَبَّتْ^(۴)»، «وَيُسَلِّكُ هَٰؤُلَاءِ حُمَرَاهُمْ لَعْمَةً^(۵)»، «وَيُلْ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ^(۶)»...

همچنین در روایات اهل بیت نیز تعبایر متعددی همچون «قاتلک الله»، «قاتله الله»، «قتلک الله» و... مشاهده می‌شود که همه اینها ضمن هم معنا بودن با شعار مرگ، تأییدی بر مشروعیت چنین دعاهای منفی بر علیه دشمنان است.

نتیجه اینکه اگرچه قرآن مسلمانان را از ناسزاگویی و بددهنی نسبت به دشمنان منع می‌کند اما ملت ایران در رفتارهای خود نسبت به کشورهای سلطه‌گری همچون آمریکا هرگز بددهنی و فحاشی نمی‌کنند بلکه عملکرد و رفتارشان در قبال دشمنان صرفاً واکنشی طبیعی است در برابر جنایت‌ها و ظلم‌هایی که از سوی این کشورها بر علیه ملت ایران در طول تاریخ صورت گرفته است و ماهیت چنین واکنش‌هایی نیز یا از نوع برائت است و یا از نوع دعای منفی همچون لعن و نفرین که هر دو نوع واکنش از نظر اسلام مشروعیت دارند و در قرآن و سنت نیز نظایری دال بر مشروعیت آن وجود دارد.

فعالیت‌هایی که بر علیه آمریکا و انگلیس سر داده می‌شود همچون برگزاری تظاهرات روز مبارزه با استکبار جهانی و یا سر دادن شعار بر علیه این کشورها اساساً از جنس ناسزاگویی و فحاشی نیستند تا ادله ممنوعیت ناسزاگویی شامل این شعارها نشود بلکه این قبیل اقدامات ماهیت دیگری دارند از جمله اینکه می‌تواند از جنس «برائت» از دشمنان باشد که یکی از آموزه‌های دینی به شمار می‌آید لذا اطلاق «مرگ» بر دشمنان انقلاب و اسلام در واقع اعلام برائت از سیاست استکباری و خوی سلطه‌جویی آنان است که طبق اصل تبری، التزام به آن لازم است.

سازمان‌های بین‌المللی و سازش کشورها و حمایت و همراهی برخی قدرت‌های بزرگ، آیا راهی برای ابراز اعلام انزجار و خشم خویش به جز راهپیمایی، تجمع، شعار و آتش زدن پرچم این کشور به‌عنوان نماد و سمبل نظام استکباری پیش روی خویش دارند؟ توطئه‌های بی‌پایان آمریکا علیه ملت ایران در مورد نظام جمهوری اسلامی و خشم و خروش مردمی بر علیه رفتار استکباری آمریکا کافی است نگاهی به فهرست توطئه‌های آمریکا بسر علیه ملت ایران از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز داشته باشیم. کودتای

از شکر زبانی تا شکر فعلی

شکر و تشکر دو قسم است: زبانی و عملی؛ شکر زبانی مانند این است که گفته شود: متشکرم یا سپاسگزارم و این نشان دهنده کمال شخص است؛ اما شکر حقیقی همان شکر فعلی و عملی است؛ یعنی انسان با استفاده درست از نعمتی که خدا داده و استفاده از آن را مشخص کرده، شاکر و سپاسگزار واقعی باشد.

اصولاً یکی از اسمای خدا در مقام صفات فعلی، شاکر (حج، ۱۵۸) و شکور (تغابین، ۱۷) است. خدا نیز زمانی نسبت به پندهای در مقام شاکر ظهور می‌یابد که جزای کار خوب و خیرش را با بهشت و پادشای عملی می‌دهد؛ یعنی این طور نیست که خدا شکر زبانی به جا آورد، بلکه در برابر کار نیک مومن که حسن فعلی با حسن فاعلی و کار نیک با پندار نیک و نیت خالص همراه است، خدا پاداش عملی چون بهشت و شرباب ظهور و ماندن آن می‌دهد. این همان شکرگزاری عملی خدا است و این گونه بنده مومن صالح و محسن، مشکور شکر خدا قرار می‌گیرد.(اسراء، آیه ۱۹؛ انسان، آیه ۲۲)

انسان مومن نیز می‌بایست شاکر حقیقی باشد، یعنی به تشکر زبانی که امری لازم اما ناکافی است بسنده نکند، بلکه نعمتی را که خدا در اختیار او گذاشته است در همان راستای حکمت الهی از آن بهره گیرد تا این گونه شکر حقیقی را به جا آورد و با شکر فعلی و عملی خویش نشان دهد که شاکر حقیقی خدا است.



شاخص‌های رفتاری مومن

قال الامام السجاد(ع): «علامات المومن خمس: الورع فی الخلوة، و الصدقة فی القله، والصبر عندالمصيبة، و الحلم عندالغضب، و الصدق عندالخوف»

امام سجاد(ع) می‌فرماید: مومن پنج نشانه دارد: ۱- مومن حالت کناره‌گیری از گناه را دارد، آن هم در موقعی که غیر از خدا حاضر و ناظری نیست. ۲- وقتی مومن تنگدست است، به مقدار توانش در راه خدا انفاق می‌کند و صدقه می‌دهد. ۳- آن‌گاه که مصیبتی متوجه مومن می‌شود، صبر و تحمل می‌کند. (زبان به شکایت از خدا نمی‌گشاید) ۴- آن‌گاه که نیروی خشمش برانگیخته می‌شود (عصبانی می‌شود) خودش را کنترل می‌کند (صبر و بردبار است) ۵- آن‌جایی که مومن بیم دارد (نفعی از دستش برود یا ضرری متوجه‌اش شود) باز هم راست می‌گوید.^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۲۹۳



مفهوم سخاوت، بخل، اخوت و غنیمت
امام‌علی(ع) از فرزندش امام‌حسن(ع) چند چیز از امور مروت و جوانمردی پرسید و فرمود: ای فرزندم! سخاوت و مردانگی چیست؟ گفت: بخشش در رفاه و دارایی و در تنگدستی و نداری. فرمود: بخل چیست؟ گفت: آنچه از مال و دارایی در دست انسان است آن را شرافت و بزرگی پندارد، و آنچه را که اتفاق کرده تلف شده بداند. فرمود: اخوت و برادری چیست؟ گفت: کمک رساندن و همیاری برادر دینی خود در شدت و سختی و گرفتاری. فرمود: غنیمت چیست؟ گفت: میل و رغبت به تقوی و پارسایی، و زهد و بی‌رغبتی به دنیا، غنیمتی خوب و ارزشمند و بی‌رنج است.^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴۲



تفاوت میان قسط و عدل(۱)پرسش: در میان واژه‌ها و کلمات قرآنی آیا مترادف وجود دارد؟ اگر پاسخ منفی است در این صورت چه تفاوت‌ها و وجوه تمایزی میان قسط و عدل وجود دارد؟ پاسخ: (الف) دیدگاه زبان شناسان

ادبا و زبان‌شناسان غالباً وجود الفاظ مترادف را در زبان‌ها حتی زبان عربی قبول دارند، که از میان آنها می‌توان سیبویه، اصمعی، فیروزآبادی و... را نام برد. استدلال آنان این است که اقوام و قبایل مختلف برای یک معنا ممکن است الفاظ متعددی وضع کرده باشند. برای مثال برای عسل ۸۰ لفظ و اسم، یا برای شمشیر ۵۰ اسم وجود دارد. در این رابطه علمای اصول نیز الفاظ مترادف را قبول دارند.

نقطه مقابل این دیدگاه برخی زبان‌شناسان وجود الفاظ مترادف را در زبان عربی قبول ندارند که مشهورترین آنان «بوهلال عسکری» مؤلف کتاب «الفروق اللغویه» است، و فرد دیگری به نام «هورالدین جزایری» که کتاب «فروق اللغات» و کتاب ادغامی دیگری بنام «معجم الفروق اللغویه» را نوشته است.

ب) دیدگاه مفسران
غالب مفسران معتقدند اگر وجود کلمات مترادف را در زبان عربی هم بپذیریم، با این حال در آیات قرآن الفاظ و کلمات مترادف بکار رفته است، و هر لفظی معنای خاص خود را دارد. از جمله این افراد راغب اصفهانی است که در مفردات خود این نظریه را آورده است. در نقطه مقابل برخی مانند: بدرالدین زرکشی و سیوطی عطف دو کلمه مترادف یا متقارب را به یکدیگر به قصد تأکید، نه تنها جایز بلکه آن را از وجوه بلاغت قرآن دانسته‌اند و برای آن مثال‌های متعددی از قرآن هم آورده‌اند. مانند: ۱- «ثما انما کونی و حزنسی الی الله» من غم و اندوهم را تنها به خدا می‌گویم (و شکایت نزد او می‌برم) (یوسف- ۸۶) ۲- «لاخلاف درکا و لا تخشی» نه از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید و نه از غرق شدن در دریا (طه- ۷۷)

ج) وجوه اختلاف میان قسط و عدل
۱- تعریف قسط

این کلمه از آن جهت که در بردارنده مفهوم اعتدال و حفظ از انحراف و افراط و تفریط است با مفهوم عدل هم معنا می‌باشد، اما یکی از تفاوت‌هایش با عدل آن است که قسط جنبه تطبیق مفهوم عدالت و اجرای آن در مصادیق و مواردش را دارد، و وقتی عدل بخواهد

تحقق و بروز و ظهور داشته باشد، از آن به قسط تعبیر می‌شود. «فصلحوا بینهما بالعدل واقسطوا» (حجرات- ۹) (معجم‌الفروق اللغویه، ابی‌هلال عسکری، ص ۴۲۸)

د) تعریف قسط
۱- توبه(۲۰ و منافقون/۴)
[۱] توبه/۱۰۸
[۲] توبه/۱۰۸
[۳] توبه/۱۰۸
[۴] توبه/۱۰۸
[۵] توبه/۱۰۸
[۶] توبه/۱۰۸
[۷] توبه/۱۰۸
[۸] توبه/۱۰۸
[۹] توبه/۱۰۸
[۱۰] توبه/۱۰۸
[۱۱] توبه/۱۰۸

ب) تعریف قسط
۱- توبه(۲۰ و منافقون/۴)
[۱] توبه/۱۰۸
[۲] توبه/۱۰۸
[۳] توبه/۱۰۸
[۴] توبه/۱۰۸
[۵] توبه/۱۰۸
[۶] توبه/۱۰۸
[۷] توبه/۱۰۸
[۸] توبه/۱۰۸
[۹] توبه/۱۰۸
[۱۰] توبه/۱۰۸
[۱۱] توبه/۱۰۸

صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۳۲۲۱۰۲۳۲۱
Maaref@kayhan.ir

۱- تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی(ره)، ص ۱۶۲